

<b>با مردم</b>	<div><div><span><span>تعديل و تکميل</span></span><span> </span><span>از طریق</span> <span></span></div></div> <div><div><span><span>۰۲۱۳۳۰۲۳۳۳۷۷</span></span></div></div>
----------------	----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

مخابرات محل های تخریب‌شده خیابان باجک قم را ترمیم کند

چندی قبل پیاده‌روی خیابان باجک قم توسط یکی از اپراتورهای اینترنت با هدف نصب کابل فیبر نوری کنده شده و مدتی بعد به حال خود رها شد. چندین بار به شهرداری اعلام و عنوان گردانده به ما ارتباطی ندارد و خود اپراتورها باید آن را مرمت کنند.

تقاضا می‌شود مسئولان مخابرات کانال فیبرنوری واقع در نیش کوچه ۵خیابان باجک در ۲۰متری حائری را ترمیم کنند.

**هدایتی از قم**

کولرهای خراب اتوبوس‌های بی‌آر تی تعمیر شوند
من هر روز مسییر خانه تا محل کار و بالعکس را با اتوبوس بی آر تی رفتن وارد می‌کنم. منزل تم تقریبا پایین شهر و محل کارم شمال شهر است در نتیجه مدت زیادی را داخل اتوبوس می‌گذرانم که آن هم اغلب به‌علت نبود جا و صندلی خالی باید تمام طول مسیر را بایستم. با شروع فصل تابستان و گرم‌شدن هوا مشکل گرمای داخل بعضی از اتوبوس‌ها و نبود تهویه مناسب هم به این مشکلات اضافه شده چون کولرهای برخی اتوبوس‌ها از کار افتاده است.

**سیامک از تهران**
وحشت‌آهالی محله کوهسار شهران از جولان سگ‌های ولگرد

تردد سگ‌های ولگرد در محله کوهسار شهران خیلی زیاد است و این وضعیت برای اهالی مشکل‌ساز شده است به‌خصوص با شروع فصل گرما این حیوانات زیرسایه درخت‌ها می‌خوابند و در رفت و آمد بچه‌ها برای خانواده‌ها استرس ایجاد می‌کند.

**سلمان زاده از تهران**

<b>پیامک</b>	<div><div><span><span>ارسال پیام کوتاه خوانندگان</span></span><span> </span><span></span></div></div> <div><div><span><span>۰۲۱۳۳۰۲۳۳۹۱۶</span></span></div></div>
--------------	--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

دریافت عوارض آزادراهی تهران – شمال مکانیزه باشد
در عوارض آزادراه تهران –شمال یک تابلو زده و نرخ عوارض انواع ماشین‌ها نوشته شده است. یک نرخ برای روز تعطیل و یک نرخ برای غیراز تعطیل. همین موضوع باعث ایجاد اختلاف در گیت عوارضی می‌شود درحالی‌که می‌شود مثل باقی بزرگراه‌ها در یافت عوارض کاملا مکانیزه شود تا سیستم به‌طور خودکار عوارض را ثبت کند و حاشیه‌ای ایجاد نشود. در نانی یک نرخ میانگین درنظر بگیرند و همواره همان رقم کسر شود تا جلوی رفتارهای سلیقه‌ای هم گرفته شود. ما شنبه ساعت ۷صبح از عوارضی خارج شدیم و ۵۰۰۰۰ تومان عوارض پرداخت کردیم. متصدی گیت در ابتدا خواست فیش ندهد وقتی با اعتراض مواجه شد فیش را داد و گفت تا ۸صبح این رقم را می‌گیریم. وزارت راه هم اعلام کرد مبلغ ۵۰۰۰۰۰ ریال عوارض این بزرگراه آخر هفته از ساعت ۱۲ ظهر چهارشنبه تا ساعت ۸صبح شنبه دریافت می‌شود و در بقیه روزها مبلغ عوارضی ۳۸۰۰۰۰ ریال است.برای جلوگیری از این همه داستان دریافت عوارض را به‌صورت میانگین و نیز مکانیزه کنند.

<b>تقویان از تهران</b>
<p>اعتبارات وام بنیاد مسکن افزایش یابد</p> <p>ساکن شهر زیر ۲۵هزار نفری تنگستان در بوشهر هستم. از بهار ۱۴۰۱ برای دریافت وام در بنیاد مسکن شهرستان تشکیل پرونده داده‌ام، ولی هنوز هیچ خبری از وام نیست. مدام می‌گویند اعتبارات اینجا کم است. به امید گرفتن این وام شروع به کار کردم و ساختمان را به نهمراه رساندیم ولی الان به فکر فروش زمین و خانه نیمه‌کاره‌ای هستم که با هزار جور زحمت و دوندگی و دفعه‌به‌این مرحله رسید. ولی حالا طلبکاران ففسار می‌آورند و امیدوی هم برای آمدن اعتبار و دریافت وام بنیاد مسکن ندارم. چرا به شهرستان‌ها اعتبارات بیشتری نمی‌دهند که اینقدر در صف نمانیم. چرا اعتبارات را قطره چکانی می‌فرستند!؟</p>
<p><b>ذهبی از تنگستان</b></p>
<p><b>پیام</b></p> <p><span>@</span> تلگرام با مردم @bamardom_humshahri</p>

مسکن مهر صدرا بعد از ۱۵سال تحویل مالکان نشد
پروژه مسکن بناسازان رمضان معروف به مهر صدرا ۱۵سال قبل شروع به ساخت شد و از آن زمان تاکنون مالکان چشم انتظار تحویل خانه‌هایشان هستند. شرکت عمران صدرا همیشه می‌گوید هفته دیگر بودجه می‌رسد م کار تمام است ولی پیمانکاری می‌گوید هیچ پولی به ما تزریق نشده که کار را تمام کنیم و سال‌هاست این روند ادامه دارد.

**فتحی از شیراز**
یل عابر مکانیزه ایستگاه اتوبوس ولنچک تعمیر شود
از حدود ۸ماه قبل یل مکانیزه ایستگاه بی‌آر تی ولنچک از مدار خارج شده و افراد یا مجبورند از عرض بزرگراه رد شوند که بسیار خطرناک است و یا مجبور به بالا رفتن از پله‌های فلزی و نوک تیز هستند. چندین بار هم به شهرداری و ۱۱۲اعلام کرده‌ام و پاسخ می‌دهند در دست اقدام است.

**خدمی از تهران**
شهرک آحمدیه یک ماه بعد از سیل جاده چالوس قطع است
به‌دنبال سیلاب ۱۹ خرداد قسمتی از جاده چالوس تخریب و سبب گل‌آلودشدن آب رودخانه سد کرج شد که این اتفاق مشکل قطعی آب گسترده در برخی مناطق شهر تهران و کرج را در پی داشت. مسئولان به پیگیری‌های مردمی عنوان کردند که حداکثر بعد از گذشت یک هفته مشکل برطرف می‌شود ولی اکنون پس از گذشت یک‌ماه اهالی شهرک احمدیه واقع در کنارک همچنان با قطعی مکرر و طولانی مدت آب دست و پنجه نرم می‌کنند.

**نظری از کرج**

## حوادث

<b>جوان تحصیلکرده به جرم قتل نوعروس قصاص شد اما قاتل پدر به زندان بر گشت</b>
<p><b>جنایت هولناک ۲۰روز پیش از عروسی</b></p>
<p>سحرگاه دیروز ۲محکوم به قصاص در زندان رجایی شهر پای چوبه دار رفتند تا حکم مرگشان که از سوی دیوانعالی کشور تایید</p>
<p><b>الهه قهرمانی</b> روزنامه‌نگار</p>
<p><b>گزارش</b></p>
<p>سحرگاه دیروز ۲محکوم به قصاص در زندان رجایی شهر پای چوبه دار رفتند تا حکم مرگشان که از سوی دیوانعالی کشور تایید</p>
<p><b>قاتل نوعروس</b></p>
<p>به گزارش همشهری، محکوم به قصاص که دیروز به دار مجازات آویخته شد، دکتی آبی تی داشت. پرونده اتهامی این مرد نهم بهمن سال۹۸ در دادسرای جنایی تهران تشکیل شد. آن روز گزارش یک حادثه آتش سوزی در طبقه اول ساختمانی در غرب پایتخت به آتش نشانی اعلام شد ووقتی آتش نشانان راهی آنجا شدند در یکی از اتاق خواب‌ها با پیکر زنی مواجه شدند که جان باخته بود؛ آن هم ۲۰روز قبل از مراسم عروسی اش. خانواده این زن برای عورت کردن مهمانان عروسی خترنشان به شهرستان رفته بودند و بررسی‌ها نشان می‌داد که داماد جوان در زمان حادثه در پارکینگ ساختمان دیده شده است. همین باعث شد تا باز پرس چنایی تهران دستور بازداشت وی را صادر کند. بازجویی از آقای داماد آغاز شد تا اینکه او تصمیم گرفت اسرار قتل هولناک نوعروسش را فاش کند.</p>
<p><b>در تدارک مراسم عروسی</b></p> <p>داماد تحصیلکرده که ۲۰روز قبل از مراسم عروسی، جان نوعروسش را گرفته بود در بازجویی‌ها گفت: همه چیز در یک لحظه رخ داد و اصلا نمی‌خواستم او را بکشم. وی ادامه داد: من دکتی آبی تی دارم و نامزدم فوق لیسانس بود. ما در دانشگاه با یکدیگر همکلاسی بودیم و پس از آشنایی به خواستگاری اش رفتم و عقد کردیم اما اختلافاتمان از ۳سال پیش شروع شد و این همه سال طول کشید تا زندگی مشترکمان را آغاز کنیم چون نامزد من هیچ وقت از داشته‌هایش لذت نمی‌برد. همیشه از من توقع داشت؛ مثلا او را به سفرهای خارجی ببرم یا برایش خودروی لوکس بخرم. او هر روز توقع جدیدی داشت که من نمی‌توانستم خواسته‌های او را نایم کنم تا اینکه روز حادثه در یک لحظه کنترل‌مرا از دست دادم و جاننش را گرفتم. وی ادامه داد: آن روز خانواده همسرم به شهرستان رفته بودند تا به بستگانشان کارت عروسی بدهند. ما در تدارک مراسم عروسی‌مان بودیم و روز حادثه من در خانه پدرزنم بودم. مثل همیشه با همسرم جروبحث شد. می‌گفت باید عروسی مجلی می‌گرفتی از سالنی که برای مراسم زرزو بودیم نراضی بود. من هم عصبانی شدم</p>
<p><b>قصاص</b></p> <p>قاتل نوعروس در دادگاه محاکمه و به قصاص محکوم شد. پرونده او پس از تایید و قطعی شدن حکم به شعبه اجرای احکام دادسرای جنایی تهران فرستاده شد؛ تا مقدمات اجرای حکم فراهم شود. سرانجام ۲۱ماه تاریخی بود که برای قصاص داماد درنظر گرفته شد. او سحرگاه دیروز با پایهای لرزا به سمت سالن اجرای حکم زندان رجایی شهر رفت و با دین اولیای دم از آنها خواست تا او را ببخشند. اما پدر و مادر مقتول هنوز دادگار دخترشان بودند و گفتند که هرگز قتل هولناک دخترشان را فراموش نمی‌کنند. اینکه جلوتر داماد با بی‌رحمی و تنها ۲۰روز مانده به مراسم عروسی، جان او به طرز هولناکی گرفت و نه تنها از قتل بشیمان نشده بلکه نشسته فکر کرده تا چطور صحنه‌سازی کندو خوش را اینگونه نشان بدهد. به این ترتیب قاتل تحصیلکرده سحرگاه دیروز به دار مجازات آویخته و پرونده زندگیش برای همیشه بسته شد تا پرونده جنایتی که مرتکب شده بود نیز به پایگانی سپرده شود.</p>

<b>۲۴ ساعت پس از کم شدن مهندس جوان در کویر، جسد وی توسط امدادگران هلال احمر پیدا شد</b>
<p><b>مرگ کاشف معدن در کویر لوت</b></p>

<b>رویداد</b>	<p>تلاش کاشف معدن برای یافتن معنی جدید در کویر لوت برای او گران تمام شد و بعد از ۴ساعت سرگردانی در کویر جاننش را از دست داد.</p> <p>به گزارش همشهری، شامگاه دوشنبه ۱۹مراه امسال ۲ مهندس معدن برای کشف معنی تازه به ۶۰کیلومتری جنوب کویر لوت رفتند. آنها بعد از انجام تحقیقات و بررسی نقشه‌هایی که در اختیار داشتند برای یافتن معدن مورد نظرشان در کویر به راه افتادند. هر کدام از آنها مسیر جداگانه‌ای را انتخاب کرد و از یکدیگر جدا شدند. ساعتی بعد یکی از مهندسان به جایی که جست‌وجو را از آنجا آغاز کرد بود برگشت، اما از همکاری خبری نشد. او کمی صبر کرد و کم‌کم نگران دوشتش شد و با این گمان که مبادا برای او اتفاقی افتاده باشد با شماره ۱۱۲سازمان امداد و نجات هلال احمر تماس گرفت و ضمن توضیح</p>
<p>دادن ماجرا از امدادگران کمک خواست. از دقایقی بعد تیم‌های عملیاتی هلال احمر خوسف واقع در استان خراسان جنوبی همراه با مأموران انتظامی جست‌وجوهای خود برای یافتن مهندس گمشده را آغاز کردند. آنها زمان</p>	
<p>شدند و جست‌وجوها با نیروهای بیشتری ادامه پیدا کرد تا اینکه ۲۴ساعت بعد از آغاز عملیات، امدادگران پیکر بی‌جان مهندس گمشده را در کویر کشف کردند. شواهد نشان می‌داد او به‌دلیل شرایط آب و هوایی و گرمای بیش از حد کویر لوت جان باخته است.</p> <p>محمد ولسی زاده، رئیس جمعیت هلال احمر خوسف با بیان جزئیات این حادثه تلخ گفت: در این عملیات به ۲۴ساعت به طول انجامید ۶تیم امدادی از شهرستان‌های بیرجند، خوسف و بشرویه حضور داشتند که متأسفانه معلوم شد این مهندس معدن جاننش را از دست داده است که پیکر او به نیروهای انتظامی تحویل داده شد. او در ادامه گفت: از گردشگران و گروه‌های اکتشاف خواش می‌کنم در صورت سفر به کویر، موقعیت‌شان را به هلال احمر و نیروی انتظامی اعلام کنند تا در صورت بروز چنین حوادثی شرایط جست‌وجو آسان‌تر شود.</p>	

<b>بخش قاتل به احترام پرچم متبرک</b>	<p>وقوع جنایت شده بود. با گذشت چند روز از حادثه کار آگاهان که سایه به سایه در تعقیب قاتل فراری بودند به اطلاعاتی درباره مخفیگاه او دست یافتند و سرانجام موفق شدند او را دستگیر کنند. متهم وقتی تحت بازجویی قرار گرفت به قتل اعتراف کرد و گفت ناخواسته دست به جنایت زده است. او گفت: من و مقتول با یکدیگر دوست بودیم و مدتی قبل وسیله‌ای به او فروخته بودم اما چند هفته گذشته و او پولش را نداده بود. چند مرتبه در این‌باره با او صحبت کردم اما فایده‌ای نداشت تا اینکه روز حادثه یکدیگر را در نزدیکی میدان پرئینک دیدیم. من باز حرف طلمر را پیش کشیدم و او هم باز از پرداخت پول ظفره رفت تا اینکه باهم گلاویز شدیم و من فاقویی را که در جیبم بود بیرون کشیدم و برای دفاع از خودم ضربه‌ای به او زدم و فرار کردم. پس از فرار از محمیدم که دوست فوت شده‌ام است.</p>
<p><b>پای میز محاکمه</b></p> <p>متهم به قتل مدتی بعد پای میز محاکمه رفت و در جلسه محاکمه تنها ولی دم پرونده که مادر مقتول است خواستار قصاص او شد. متهم نیز وقتی در جایگاه قرار گرفت در دفاع از خودش گفت: شاید اگر روز حادثه جاقو همراهم نبود، دعوی من و دوستم در نهایت با رد بدل شدن چند مشت و لگد تمام می‌شد اما جاقویی که همراهم بود باعث شد مرتکب بزرگ‌ترین اشتباه زندگی‌ام شوم. او در ادامه گفت: با اینکه می‌دانم اشتباه بزرگی مرتکب شدم و خانواده‌ای را دادگار کرده‌ام اما از مادر مقتول می‌خواهم که به جوانی‌ام رحم کند و من</p>	
<p><b>جنایی</b></p> <p>جوانی که ۴سال قبل در جریان اختلاف مالی با یکی از دوستانش با ضربات چاقو جانش را گرفته بسود درحالی‌که بر آری دادگاه به قصاص محکوم شده و در یک قدمی چوبه دار بود به احترام پرچم متبرک حرم حضرت زینب(س) و عید غدیر از سوی اولیای دم مقتول بخشیده شد.</p> <p>به گزارش همشهری، ظهر نخستین روز از مهرماه سال ۹۸ به پلیس خبر رسید که ۲مرد جوان در حوالی میدان پرئینک فرچک با یکدیگر درگیر شده و یکی از آنها با ضربات چاقو دیگری را به قتل رسانده است. قاتل پس از جنایت به مکان نامعلومی گریخته و هیچ‌کس از اطلاعاتی نداشت. در چنین وضعیتی تجسس‌های کار آگاهان پلیس آگاهی این پرونده کلید خورد.</p> <p>در جریان تحقیقات مقدماتی معلوم شد که قاتل و مقتول از سال‌ها قبل با یکدیگر رابطه دوستانه و نزدیکی داشته‌ام به تازگی با هم دچار اختلاف مالی شده و همین اختلاف باعث</p>	

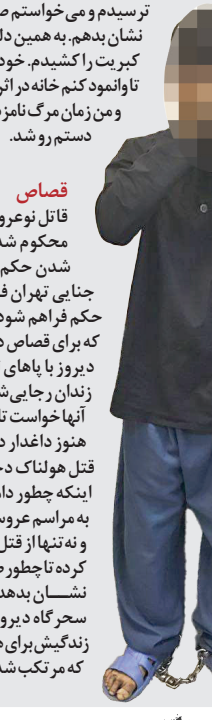
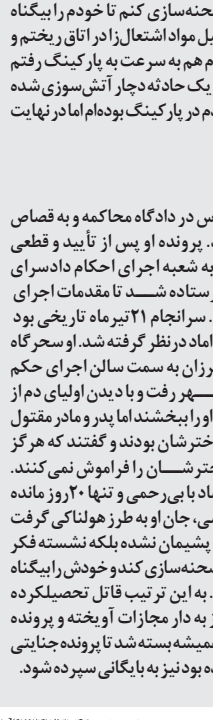
شده بود، اجرا شود؛ یکی از آنها که دکتی آبی تی داشت، به جرم قتل نوعروسش در زندان بود و دیگری جوانی بود که به خاطر

قتل پدرش به قصاص محکوم شده بود. این دو محکوم پای چوبه‌دار با ۳سرنوشت متفاوت روبه‌رو شدند.

**بازگشت از پای چوبه‌دار**

دومین فردی که دیروز پای چوبه دار رفت، به جرم قتل پدرش به قصاص محکوم شده بود. وی یکی از روزهای خرداد سال ۸۶ در یک درگیری پدرش را به قتل رسانده بود. اگرچه خواهرش او را بخشیده بود اما برادرش اصرار بر قصاص وی داشت. ماجرا از این قرار بود که قاتل و برادرش بر سر مسائل خانوادگی با یکدیگر دچار اختلاف شده بودند و روز حادثه با هم بحثشان خنود شد. وقتی دعوی‌امیان آنها بالا گرفت قاتل قصد داشت با جاقو ضربه‌ای به برادرش بزند اما در این بین پدر آنها برای میانجیگری و خاتمه دادن به دعوا وارد درگیری شد. اما دخالت پدر به قیمت جان او تمام شد چرا که پسرش به جای اینکه ضربه را به برادرش بزند به قلب پدرش زد و جان او را گرفت. وی پس از دستگیری، اظهار ششمانی کرد و گفت هرگز نه قصد کشتن برادرش را داشته‌نه پدرش را. او می‌گفت که در یک لحظه عصبانی شده و کنترلی بر رفتارهایش نداشته است. با این حال بنسیمیانی او فایده‌ای نداشت و قاتل پدر مدتی بعد در دادگاه عالی میز محاکمه رفت. خواهر و برادر او خواستار قصاص وی شدند و به این ترتیب حکم قصاص مرد جوان صادر شد و به تأیید قضات دیوان عالی کشور رسید. شمارش معکوس برای اجرای حکم شروع شده بود و در این بین قاتل مدام از زندان با برادر و خواهرش تماس می‌گرفت تا او را ببخشند. انتماس‌های او روی خواهرش نتیجه خوبی داشت و او چندی قبل با حضور در دادسرای جنایی، برادرش را بخشید اما هنوز یک ولی دم دیگر وجود داشت که او هم باید نظرش را اعلام می‌کرد. وی همان برادری بود که قاتل با او اختلاف داشت و چون از مرگ پدرش متاثر بود همچنان اصرار بر قصاص برادرش داشت چون می‌گفت پدرش در جرایم آن اختلاف آنها، مقصر نبوده و مظلومانه به قتل رسیده است. اسرار این پسر برای قصاص قاتل پندارمه داشت تا اینکه صبح دیروز زمان اجرا رسید. برادر او در یک قدمی مرگ قرار داشت و فاصله‌ای مانده بود تا مجازات شود.

او به پای برادرش افتاد و انتماس کرد تا به جوانی او رحم کند و زندگی را به او ببخشد. در واپسین لحظات، دل برادر به رحم آمد و حکم قصاص را اجرا نکرد. او به باورش مهلت غماهه داد و مرد محکوم به قصاص که باورش نمی‌شد عمر دوباره یافته، با خوشحالی به زندان برگشت به این امید که برادرش به‌زودی پای بر که رضایت را امضا کند.



## هم‌شهری

**کوتاه از حادثه**

### مرگ مرد خطرناک با گلوله پلیس

مردی که به‌دنبال درگیری خانوادگی، اقدام به آسیب‌رساندن به رهگذران کرده بود، در جریان درگیری با پلیس کشته شد. به گزارش همشهری، حدود ساعت ۱۵:۲۴ بعدازظهر سه‌شنبه به مأموران پلیس شهرستان اراک خبر رسید که مردی در یکی از محله‌های شهرک امام‌علی اراک اقدام به عریده‌کشی و ایجاد وحشت بین مردم کرده است.

به‌دنبال این تماس، تیمی از مأموران راهی محل حادثه شدند. در بررسی‌ها مشخص شد که مرد جوان که حالت عادی ندارد به‌دنبال درگیری با اعضای خانواده‌اش، اقدام به پرت کردن اشیاء مختلف و وسایل خطرناک از قبیل چاقو، سنگ و آجر به‌سوی رهگذران و اهالی کرده و با عریده‌کشی وحشت به جان مردم انداخته است. درست زمانی که مأموران پلیس به محل حادثه رسیدند، مرد خطرناک سنگی را به سمت دخترچغای ۱۰ساله که در حال عبور از آن نزدیکی بود، پرتاب کرد و برخورد سنگ با سسر دخترچغه باعث جراحت شدید او شد که با حضور اورژانس در محل، وی به بهیمارستان منتقل شد.

مأموران که جان مردم و رهگذران را در خطر می‌دیدند به مرد جوان که در ادامه مشخص شد فردی سابقه‌دار بوده، اختار دادند و از او خواستند تسلیم شود. اما وی دست‌بردار نبود و این بار به سمت پلیس حمله کرد و با آنها درگیر شد.

سرهنگ احسان آنتی، معاون اجتماعی پلیس استان مرکزی با بیان این خبر گفت: این فرد در جریان درگیری با پلیس به ضرب گلوله مجروح شد که به سرعت به بیمارستان انتقال یافت اما بر اثر شدت جراحات وارده جانش را از دست داد. به‌گفته وی، در بررسی‌ها مشخص شد که این فرد دارای ۱۶افقره سسوابق مختلف کیفری بوده و بارها از سوی پلیس دستگیر شده بود.

**کشف ۱۲۶بسته حشیش**

**در معده یک زن**

رئیس پلیس فرودگاه شهید بهشتی اصفهان از کشف ۱۲۶ بسته حشیش از معده یکی از مسافران خارج داد.

به گزارش ایبنا، سرهنگ ذبیح‌الله دلاور گفت: مأموران پلیس فرودگاه شهید بهشتی اصفهان با تیزهوشی به یکی از مسافران زن که قصد خروج از کشور را داشت، مشکوک شدند و پس از بررسی دقیق و انجام معاینات پزشکی مشخص شد وی اقدام به بلع موادمخدر کرده است.

وی افزود، با محرز شدن جاسازی موادمخدر در معده متهم، وی در تحقیقات صورت گرفته به جرم خود متعرف، به بیمارستان منتقل و پس از انجام اقدامات پزشکی، در نهایت ۱۲۶ بسته ماده مخدر حشیش از معده متهم خارج شد.

رئیس پلیس فرودگاه شهید بهشتی اصفهان با بیان اینکه متهم نیش از این نیز به جرم بلع و انبار موادمخدر در معده خود توسط پلیس فرودگاه امام خمینی (ره) تهران دستگیر شده بود، گفت: در این خصوص پرونده تشکیل و این زن برای انجام اقدامات قانونی به مرجع قضایی تحویل داده شد.

**غذای مسموم، زنی را تا یک قدمی مرگ برد**

<b>غذای مسموم، زنی را تا یک قدمی مرگ برد</b>
<p>با شکایت زن ۶۰ساله که مدعی است نطفاتچی خانه‌اش او را بیهوش و آمولش را سرقت کرده است، متهم دستگیر شد اما ادعا کرد که بی‌گناه است.</p> <p>به گزارش همشهری، هفته گذشته با شکایت زنی ۶۰ساله، پرونده‌ای در شعبه نهم دادسرای ویژه سرقت تشکیل شد. شاکی مدعی بود که نطفاتچی خانه‌اش او را بیهوش کرده و تا یک قدمی مرگ پیش برده است. وی توضیح داد: حدود یک‌ماه قبل تصمیم گرفتم فردی را استخدام کنم تا کارهای خانه‌ام را انجام بدهد. در آگهی‌های فضای مجازی زنی جوان به نام سمیرا را پیدا کردم. او استخدام شد و من تصور می‌کردم زن خوبی است، اما سارق از آن بد آمد چرا که با نقشه قبلی مرا بیهوش کرده و طلاهایم را به سرقت برد. او به سرقت پرداخت و من متوجه شدم که شاکای در اختیار پلیس قرار داده بوده، وی دستگیر شد. او اما منکر سرقت و بیهوش کردن شاکای شد و گفت: من استخدام شدم تا کارهای خانه زن تنها را انجام دهم، اما او بهانه‌های بی‌پایه و بی‌منشک داشت. هرچا من رفتم دنبال من می‌آمد و تصور می‌کرد قصد سرقت وسایلم را دارم. حتی یک روز که در حال تمیز کردن کمدش بودم ناگهان بالای سرم ظاهر شد و فکر کرد که من می‌خواهم طلاهایش را سرقت کنم. هرچه می‌زادتم سرقت نکردم باورم نمی‌شد و اخراجم کرد. حالا هم شنیدم از من شکایت کرده که او را بیهوش کرده‌ام و طلاهایش را به سرقت برده‌ام. در صورتی که من بی‌گناهم و فکر می‌کنم او بعد از من شخص دیگری را استخدام کرده و پادش نمیداند. احتمالاً فردی که بعد از من و جدیدا استخدام شده، وی را بیهوش کرده تا طلاهایش را به سرقت ببرد.</p> <p>این زن اگرچه خودش را بی‌گناه دانست اما باز پرس پرونده دستور بازداشت او را صادر کرد. تحقیقات از او ادامه دارد تا اسرار این پرونده را گشایی شود.</p>